

آثار تربیتی امام رضا(ع) در تعالی باورهای معنوی مردم ایران

محمود نیک آیین^۱، حسنعلی بختیار نصرآبادی^۲، حمزه علی بهرامی^۳

کمال نصرتی هشی^۴، نفیسه عباسپور^۵

چکیده

هدف از نگارش مقاله، توصیف و بررسی تأثیر تربیتی امام رضا(ع) در تعالی باورهای معنوی مردم ایران است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام و با استفاده از منابع موجود و در دسترس به توصیف و تحلیل پیامدهای حضور امام رضا(ع) در ایران در دوران حیات و بعد از شهادت پرداخته شد. برای رسیدن به هدف فوق، ابتدا شناختی از وضع معنوی ایرانیان قبل از حضور امام رضا(ع) به ویژه در دوران ساسانیان لازم بود که بصورت گذرا و اجمالی به آن پرداخته شد و مشخص گردید؛ بخاطر وجود ظلم و ستم حاکمان، مردم ایران به دنبال آئینی می‌گشتند که عدالت و مساوات جزء مؤلفه‌های آن باشد. اما با ورود اسلام و با شناخت ابتدایی از آن، مردم ایران در می‌یابند؛ راه نجات همین دین و مجریان آن است. لذا مردم ایران به خاطر عملکرد ناصحیح حاکمان غاصب و دنیا خواه بنی امیه و بنی عباس بر ممالک اسلامی من جمله ایران نه تنها عطش معنویشان لبریز و بهره‌مند نمی‌گردد که مورد ظلم و تحقیر هم واقع می‌شود. در نهایت با حضور امام رضا(ع) در ایران و فرصت ولایت‌عهدی ایشان و اقدامات مؤثر آن بزرگوار، مردم به سمت معنویت واقعی هدایت شدند و بعد از شهادت ایشان نیز با ترویج فرهنگ زیارت و حضور سادات دعوت شده توسط این امام عزیز، مردم ایران در معنویت رشد فزاینده‌ای پیدا کردند.

واژه‌های کلیدی

امام رضا(ع)، معنویت، تربیت معنوی، ایران.

Neekayeen.m1100@gmail.com
h.nasrabadi89@gmail.com
bahrami1918@yahoo.com
KamalNosrati1367@yahoo.com
abaspournafiseh59@gmail.com

۱. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).
۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
۳. استادیار گروه معارف دانشگاه اصفهان.
۴. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان.
۵. کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه پیام نور.

۱. مقدمه

معنویت را در واژه نامه نوین در آنچه راجع به باطن شخص و روح باشد دانسته‌اند. در لغت نامه دهخدا گفته شده است: معنوی منسوب به معنی، حقیقی، اصلی، ذاتی، مطلق و باطنی و روحانی است و مقابل مادی، معنایی که فقط به وسیله قلب شناخته می‌گردد و زبان را در آن بهره‌ای نیست (مرشدی بیدگلی، ۱۳۸۷: ۶-۷) یا می‌توان گفت معنویت بعدی از وجود انسان است که فرارونده است و انسان را با افراد دیگر طبیعت و هستی متصل می‌کند (غباری بناب، ۱۳۸۶: ۱-۱۸) از منظر علامه طباطبایی انسان به طور ذاتی موجودی معنوی است و معنویت نیز فرایند تکامل نفس به سوی تجرد است (اشعری و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۱). پس انسان دارای روحانیتی است که از دیر باز فکر بشر را به خود مشغول ساخته است. از نظر اسلام تنها خواستگاه معنویت انسان روحانیت اوست (برزگر، ۱۳۸۴: ۲۱-۳۱) بطوری که معنویت در اسلام رشد بعد روحانی انسان در متعالی شدن گرایش‌های باطنی‌اش است. (مرشدی بیدگلی، ۱۳۸۷: ۶-۷) بنابراین یکی از عناصر انسان بودن معنوی بودن است (مارکوس^۱، ۲۰۰۵: ۸۱-۹۱).

از این رو به خاطر نقش و جایگاه مهم معنویت و توجه به این بعد، در رساندن انسان‌ها به سعادت، در مقاله حاضر به دنبال بررسی تأثیر امام رضا^(ع) بر روی باورهای معنوی مردم ایران از حین ورود آن بزرگوار به ایران پرداخته می‌شود و برای روشن شدن این موضوع و بیان نقش امام معصوم^(ع) در رشد معنوی انسان‌ها باید گفت؛ در واقع نقش امام در تقویت معنویت افراد برجسته است و خداوند در میان مردم نفوس ممتازی را که به وحی الهی ملهم و مؤیدند، بر می‌انگیزد تا نفوس آدمیان را بیدار کند و پرده از نفوس فطری آنان بردارد. به این ترتیب، نور فطری چیزی می‌یابد که از طریق الهی تکمیل و تقویت می‌شود (مهدی نراقی؛ ۱۲، ۱۳۷۰) امامت دینی راهبر انسان به سوی معرفت حقیقی و اعتدال مطلوب در جریان زندگی است و جامعه‌ای که پذیرای آموزش‌های امام باشد، هرگز در ایستگاه بی‌خبری و سرگردانی متوقف نمی‌ماند. بالندگی، پویایی، شادابی و سرزندگی، از مختصات و ثمرات امامت دینی است. امام رضا^(ع) می‌فرماید: اگر کسی بگوید: چرا شناخت پیامبران و اعتراف به آن‌ها و اقرار به (لزوم) اطاعت از آنان، بر مردم واجب است؟ در پاسخ گفته می‌شود: چون

در وجود مردم و قوای آنان، چیزی نیست که با آن، مصالحشان را کامل سازند و آفریدگار نیز برتر از آن است که دیده شود، سستی و ناتوانی آنان از ادراک او آشکار است، پس چاره‌ای جز این نیست که میان خداوند و مردم، پیام‌آوری معصوم باشد که اوامر و نواهی و ادب (و آموزه‌های) او را به ایشان برساند و آن‌ها را به آنچه مایه سود و زیانشان است، آگاه سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). علامه طباطبایی نیز در توضیح ولایت معنوی می‌فرماید: امام چنان که نسبت به ظاهر اعمال مردم پیشوا و راهنما است همچنان در باطن نیز سمت پیشوایی و رهبری دارد و اوست قافله سالار کاروان انسانیت که از راه باطن به سوی خدا سیر می‌کند. (طباطبائی، ۸۵: ۱۹۲-۱۹۶)

لذا در پژوهش حاضر مروری بر تحقیقاتی ممکن شد که به بحث، پیرامون موضوع این پژوهش پرداخته که در ادامه، تحقیقات و خلاصه‌ای از نتایج آن‌ها ذکر می‌شود:

حر (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان سیره تربیتی و اخلاق عملی امام رضا(ع)، فضایل اخلاقی امام رضا(ع) را بیان می‌کند و در پی آن است که اثبات کند امام(ع) در هر رفتار اخلاقی چه هدفی را دنبال کرده است. به عنوان نمونه امام(ع) به نماز و عبادت بسیار اهمیت می‌دادند چون آن را مایه رستگاری می‌دانستند یا اینکه کرم و بخشش جزء سیره امام رضا(ع) است چون امام می‌خواهد برای رفع محرومیت و فقر زدایی تلاش کند.

شرفی (۱۳۸۹) با اعتقاد به اینکه در عصر حاضر، آموزش مهارت‌های زندگی امری انکارناپذیر است با تألیف کتاب مهارت‌های زندگی در سیره رضوی به بیان مهارت‌های (شناختی، ارتباطی، اجتماعی) می‌پردازد و در هر باب، سیره رضوی(ع) را در آن خصوص تبیین می‌کند و در نهایت در سه فصل آخر کتاب به مهارت‌های تربیتی و فرزند پروری در حیطه‌های شناختی و ارتباطی با تأکید بر سیره رضوی(ع) می‌پردازد.

صحبت لو و جعفری (۱۳۸۹: ۶۳) در پژوهشی با عنوان تربیت اخلاقی در دیدگاه رضوی ضمن اشاره به نظرات و دیدگاه‌های اخلاق شامل نظریات اندیشمندان قدیمی و معاصر در غرب و در اسلام در بخشی نیز مستقیماً سیره اخلاقی امام رضا(ع) را بر اساس مبانی و اصول و روش مورد تبیین قرار می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که سراسر زندگی امام رضا(ع) مشحون از رهنمودها در اخلاق و تعلیم و تربیت است.

نجفی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان روش‌های تربیت اخلاقی در سیره رضوی(ع)

آشکار ساخت‌اند؛ در سیره‌ی تربیتی و اخلاقی امام رضا^(ع) بیش از هر چیز بر روش پیشگیری و زمینه‌سازی تأکید شده است که نشان از اهمیت محیط تربیتی دارد. لذا بر روش‌هایی مانند پرهیز از معاشرت با صاحبان رذائل، ایجاد فضایل اخلاقی در جامعه، محبت و احسان، جذب و آراستگی تأکید شده است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که پژوهش‌های انجام شده بیشتر در خصوص تربیت اخلاقی صورت گرفته است و هیچ یک از تحقیقات بعد پیامدهای تربیت معنوی امام رضا^(ع) را بررسی نکرده‌اند. لذا در این پژوهش برای اولین بار، آثار تربیتی امام رضا^(ع) بر تعالی باورهای معنوی مردم ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای نیل به هدف مذکور از رویکرد کیفی و با روش تحلیلی - توصیفی استفاده می‌شود.

۲. سوالات پژوهش

الف) وضع معنویت در جامعه ایران قبل از ورود امام رضا^(ع) به چه صورتی بوده است؟

ب) تأثیر امام رضا^(ع) در تعالی باورهای معنوی مردم ایران در زمان حیات چگونه بوده است؟

ج) بعد از شهادت امام رضا^(ع) در تعالی باورهای معنوی مردم ایران چه تأثیراتی به وجود آمده است؟

۳. گذری اجمالی به معنویت ایرانیان قبل از ورود امام رضا^(ع) به ایران

الف) معنویت ایرانیان در زمان ساسانیان :

هدایت معنوی ایرانی در عهد ساسانی به عهده روحانیون زرتشتی بود که مدت زیادی به این امر مشغول بودند. اما آئین زرتشتی به دلایل ذیل دیگر توان هدایت معنوی مردم را نداشت:

۱. دیرینگی و بیروح گردیدن آئین زرتشتی از دوره قباد به بعد (شهیدی، ۱۳۶۹: ۱۲۱)
۲. تحمیل قوانین مذهبی ۳. تفرق زرتشت بین موبدان ۴. خود کامگی و اقدامات ناروای روحانیت (شاکر، ۱۳۹۰: ۶۶).
- روحانیت زرتشتی در خدمت نظام حاکمه‌ای بود که نحوه مدیریتش طبقاتی کردن انسان‌ها بود که اقلیتی برخوردار و اکثریتی محروم باشند و اکثریت

ایرانی به این نتیجه رسیده بودند که این آئین و عوامل اجرای آن نه تنها به معنویت انسان توجه ندارد بلکه از او در جامعه به نفع نظام حاکمه بهره‌کشی می‌نماید. لذا روح ایرانی به دنبال روزه‌ای برای فرار می‌گشت، فرار از آئین در نهان همگان همواره وجود داشت، گرایش بسیاری به آئین بودا سپس مسیحیت و مذاهب هندی و چینی و یونانی غیر قابل انکار نیست (افتخار زاده، ۱۳۷۷: ۶۸). از این رو خبر بعثت آخرین پیامبر خدا در بین مردم یمن به گوش مردم ایران نیز رسید و زمینه را برای ورود اسلام به ایران فراهم نمود. (جواهری، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۲) بنابراین این گرایش‌ها نشان از خسته شدن روح ایرانی از آئین خدمتگزار طبقه حاکم ظالم و ستمگری است که ایرانی را فقط برای خدمت می‌خواهد و نه برای رشد از هر حیث. لذا ایرانی به دنبال آئینی می‌گشت که عدالت و مساوات جزء مؤلفه‌های آن باشد و او را به دیده‌ی کرامت نگاه کند و شانس رشد در همه زمینه‌ها را به او بدهد.

ب) عصر امامت امیر مؤمنان(ع) و معنویت مردم ایران:

هر چند بعد از وفات پیامبر(ص) در عصر امامت امیرالمؤمنین(ع) انحراف در امر خلافت به وجود آمد ولی با مدیریت حضرت علی(ع) و سکوت با برکت و تأثیرگذار ایشان اسلام به نواحی مختلف از جمله ایران گسترش یافت. در اواخر حکومت ابوبکر و تمام دوران حکومت عمر، سرزمین ایران به دست مسلمانان افتاد و عموم مردم گروه‌گروه با آگاهی از روی حق طلبی دین اسلام را پذیرفتند. (جواهری، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۲) لذا ایرانیان در دوران امامت حضرت علی(ع) بر خورد فاتحان مسلمان را، شاهد بوده که چگونه با مساوات و عدل با آنها برخورد می‌کنند. نحوه برخورد با اسیران را تجربه کردند و دیدند که حضرت علی(ع) چگونه با بزرگواری با اسیران ایرانی برخورد می‌کنند لذا با اشتیاق این آئین را پذیرفتند (بیات، ۱۳۵۶: ۲۶-۲۷) پس می‌توان گفت از نتایج معنوی این دوران، پذیرش دین اسلام از طرف ایرانی است و ایمان به این عقیده که اسلام دین نجات‌دهنده او است و آشنایی مختصر او با این دین بود.

ج) تأثیر منفی خلافت بنی امیه بر معنویت مردم ایران:

پس از شهادت حضرت علی(ع) در رمضان سال ۴۰ ه.ق و خلافت کوتاه مدت امام حسن(ع) و صلح او با معاویه، خلافت معاویه بن ابی سفیان که از خاندان بنی امیه بود مسلم گردید. او که مردی سیاسی و عوام فریب بود با تثبیت حکومت خود بر مصر و سوریه و فلسطین تحکیم اساسی حکومت بنی امیه را آغاز کرد. او قدرت بنی امیه را در سرتاسر عالم اسلام

بسط داد. (رامتین، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۴) بنی امیه طبق تصریح تفسیر آیه ۶۰ سوره الاسرا شجره ملعونه هستند. از اسلام اصیل به دور و پیوسته برای اسلام خطرساز بوده اند. آن‌ها خاندانی مشهور از قبایل قریش در سرزمین مکه بودند و آن‌ها دشمنی‌های سرسخت با اسلام داشتند و در زمان خلفای پیشین مناصب مهمی از جمله حکومت شام را به دست آوردند (وفا، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۳). بنی این حکومت (معاویه) فردی شراب خوار بود و استاد انواع حيله، دروغ و خدعه بود (مغینه، ۱۳۴۱: ۶۸-۶۵) لذا آن‌ها با این پیشینه و بیان قرآن برای دین و رشد معنویت و خدمت به مسلمین و اسلام دست به تلاش زدند که صاحب حکومت شوند بلکه آنها برای مطامع دنیوی خود و به خاطر حبّ دنیا حکومت بر مسلمانان را از صاحبان اصلی آن ائمه اطهار^(ع) ربودند. خطبه معاویه در نخيله گویای این موضوع است: من با شما جنگ نکردم که نماز بخوانید و روزه بگیرید، حج کنید و یا زکات بدهید که شما این کارها را می‌کنید، من با شما جنگ کردم تا بر شما حکومت کنم. (شهیدی، ۱۳۶۹: ۱۶۵) معاویه در گرفتن خلافت به شمشیر و پول متوسل شد. او با بخشیدن پول به شعرا و متملقین و دادن مقامات به مدعیان و مخالفین حکومت اکثر مردم را رام کرد و هر کس را به مخالفت بر می‌خواست مغلوب یا مسموم و یا مقتول می‌نمود (آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۱۷).

با توجه به عملکرد امویان در حکومت خود گروه‌هایی در همراهی با آن‌ها و یا بر ضدّ آن‌ها شکل گرفت که این گروه‌ها هم عرب بودند و هم غیر عرب. این گروه‌ها برای رسیدن به اهداف خود با تأثیرات معنوی تبلیغی، ایرانیان را با خود همراه می‌نمودند. از مهم‌ترین این‌ها می‌توان گروه‌های ذیل را نام برد: یاران بنی امیه که بیشتر اهل تسنن بودند، یاران علویان که از شیعیان بوند، گروه خوارج، گروه موالی و عباسیان (وفا، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

تناقض و تعارض بین احکام دین و سیاست رژیم اموی در دو عرصه اجتماعی و اقتصادی در بخش شرقی امپراتوری (خراسان، ماوراءالنهر) ادامه داشت تا اینکه در این منطقه بحران‌های جدی بر علیه بنی امیه به وجود آمد (مهدی الخطیب، ۱: ۳۷۸).

اما مظالم و تبعیضات نژادی خلفای اموی نتوانست مسلمانان ایرانی را به اسلام بدبین کند. آن‌ها حساب اسلام را از خلفای جور جدا کردند، ایرانی عدالت واقعی را نزد خاندان رسالت یافت و تنها آن‌ها را می‌دید که بدون هیچ‌گونه تبعیض از حقوق موالی دفاع می‌کند. (شاکر، ۱۳۹۰: ۷۵) لذا ایرانی جماعت برای ایجاد حکومتی عادلانه و رشد دهنده در همه

ابعاد من جمله معنویت برای مسلمین تلاش کردن تا خاندان بنی امیه را براندازند و خاندان پیغمبر را حاکم کنند ولی ایرانی چون با خاندان رسالت آشنایی کامل نداشت و بنی عباس بر این امر واقف بود، لذا آنها مردم ایران را فریفتند و خود را آل رسول معرفی کردند، زیرا تبلیغات آنها بر اساس شعار مجعول «الرضا من آل محمد» بود (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳: ۷۷). بنابراین خلفای عباسی با تکیه بر نیروی انسانی و شمشیر ایرانیان توانستند خلافت را از بنی امیه بگیرند و غاصبان جدید خلافت شوند. مهم‌تر اینکه ایرانیان در واقع برای خاندان پیغمبر شمشیر زده بودند

د) معنویت در عصر اول خلافت عباسیان تا زمان مأمون:

به دلیل طولانی شدن خلافت عباسیان و به خاطر نوع عملکرد آنها در زمان‌های مختلف، پژوهشگران دوره عباسیان را به چهار عصر تقسیم کرده و چون آمدن امام رضا(ع) در عصر اول عباسی اتفاق افتاده است و از آنجایی که در این قسمت سعی می‌شود تأثیر خلفای عباسی قبل از ورود امام رضا(ع) در ایران بررسی شود لذا باید نوع عملکرد حکومت عباسی را در عصر اول تا زمان مأمون مورد بررسی قرار داد و برای آگاهی از اینکه خلفای عباسی به ویژه در عصر اول چه تأثیری بر معنویت مردم تحت تسلط حکومت خود به ویژه ایران داشتند لازم است که هدف آنها از حکومت و نوع حکومت به طور مختصر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛ عباسیان داعیه خلافت داشتند و نسبت خود به خاندان پیامبر(ص) را امتیازی برای رسیدن به خلافت و اثبات برتری نسبت به امویان می‌دانستند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳: ۶۴) نوع عملکرد آنها برای به دست آوردن حکومت و سخنان و اقدامات اولیه آنها در ابتدای حکومت حاکی از آن است که هدف آنها فقط به دست آوردن حکومت است آن هم فقط برای خاندان عباسی و لاغیر و کار به دین و خدمت به مردم و هدایت همه جانبه مردم نداشتند. لذا در ادامه به توضیح گوشه‌ای از عملکرد آنها در به دست آوردن حکومت و نوع حکومت آنها در آغاز خلافتشان پرداخته می‌شود:

- کوشش مبلغان عباسی در همراهی همه ناراضیان اعم از عرب و غیر عرب، شیعه و خارجی و حتی غیر مسلمان که حاکی از ناخالص بودن هدف آنها از به دست آوردن حکومت است (پطروشفسکی، ۱۳۶۸: ۵۰).

- انتخاب شعار مجعول «الرضا من آل محمد» برای همراه ساختن ایرانیان به ویژه مردم

خراسان که خواستار خلافت آل رسول بودند ولی نمی دانستند آل رسول چه کسانی هستند لذا آن‌ها از ابتدا با نیرنگ و فریب برای رسیدن به خلافت تلاش کردند و خلافتی که بر اساس دروغ بخواهد پایه‌ریزی شود مسلماً برای دین و خدمت به مردم نیست پس آن‌ها با نیروی انسانی و شمشیر ایرانی توانستند خلافت را از بنی امیه بگیرند و غاصبان جدید خلافت شوند. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳: ۷۷)

- خطبه سفاح در کوفه نشان از قصد پلید خاندان عباسی در غصب حکومت داشت. سفاح در خطبه خود در کوفه اعلام کرد: (خلافت عباسی است و عباسی هم باقی می‌ماند). (طوقش، ۱۳۸۰: ۶۱) لذا خلافتی که بخواهد بر اساس غصب باشد نمی تواند حکومتی برای دین و رشد مردم در همه عرصه‌ها باشد.

- ساختن شهری در کنار شهر انبار توسط سفاح اولین خلیفه عباسی و ساختن شهر بغداد توسط منصور دومین خلیفه عباسی و انتخاب نکردن کوفه برای حکومت به دلیل این است که خلفای عباسی شیعیان و محبان امیرالمؤمنین علی^(ع) را خطری برای خود احساس می‌کردند (طوقش، ۱۳۸۰: ۴۴-۷۱) چرا که آن‌ها کاملاً آگاه بودند که حکومت از آن امیرالمؤمنین و فرزندان آن بزرگوار است و از اینکه حکومت به صاحبان اصلی آن برسد، در هراس بودند.

- به قتل رساندن عناصر پر قدرت ایرانی که زمانی بازوی توانی آن‌ها بودند مانند ابومسلم خراسانی و خاندان حضرت علی^(ع) توسط خلفای عباسی، به این خاطر که آن‌ها را رقیب خود در خلافت می‌دانست‌اند. لذا سفاح و منصور مخالفان را از هر طیف کشتند. کشتن ابوسلمه و حبس و قتل سادات حسنی در زمان منصور از همین موضوع حکایت می‌کند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳: ۷۷). با توجه به این نوع عملکردها نمی‌توان باور داشت که آن‌ها برای دین و معنویت و خدمت در عرصه‌های گوناگون به ملت اسلامی تحت حکومت خود اقدامی انجام داده باشند. لذا وقتی مردم ایران به این موضوع پی می‌برند، نارضایتی آن‌ها از خلافت عباسی بیشتر می‌شود و تلاش می‌کنند، خلافت به صاحبان اصلی آن (خاندان رسالت) برسد. لذا مأمون زیرک‌ترین خلیفه عباسی با آگاهی از این خواسته مردم و آگاهی از حقانیت خلافت امیرالمؤمنین علی^(ع) و فرزندان او پس از تسلط بر امین برادر خود برای آرامش معترضان ایرانی و علوی، امام رضا^(ع) را برای سپردن حکومت یا ولایت عهدی به ایشان به ایران دعوت

می‌کند.

۴. تأثیر امام رضا^(ع) در تعالی باورهای معنوی مردم ایران در زمان حیات

هر چند آمدن امام رضا^(ع) به ایران برای ولایت عهدی امری اجباری بود و امام^(ع) بارها این امر را در فرصت‌های مختلف یادآور شده بود ولی امام رضا^(ع) برای انجام رسالت الهی خود که همان هدایت و جهت دادن فطرت انسان‌هاست (تعالی باورهای معنوی) از هیچ کوششی دریغ نکردند بعضی از تحلیل‌گران از جمله محمدهادی همایون در مقاله خود رسالت امام رضا^(ع) را در راستای تشکیل تمدن بزرگ اسلامی تربیت مردم ایران معرفی می‌کند. (همایون، ۱۳۹۲: ۶۰-۳۳) لذا امام رضا^(ع) در طول سفر خودشان در ایران و همچنین در مدت اقامتشان در مرو به صورت هدفمند به اجرای برنامه‌هایی پرداختند که نتیجه آن، ناکامی مأمون در رسیدن به اهدافش بود و همچنین تحقق رسالت الهی خودشان که به مرور در ادامه به ذکر آن‌ها پرداخته خواهد شد.

کرامات امام رضا^(ع) از لحظه ورود به ایران سرآغازی بود برای تقویت شناخت ویژگی‌های امام (امام شناسی) و ایمان به شایستگی امام رضا^(ع) برای امامت. اما وجود بعضی ویژگی‌ها در این کرامات عاملی شدند برای نهادینه‌شدن این باورها در مردم ایران تا در طی نسل‌های متمادی از آن‌ها شیعیانی بسازد دائمی و محبّ واقعی اهل‌بیت^(ع) و بدانند که راه سعادت ارتباط و پیروی از اهل‌بیت است و آن را تمرین زندگی خود قرار دهند. برای روشن شدن بحث به بیان بعضی از کرامات به همراه ویژگی‌های اثر گذارشان در تقویت باورهای معنوی مردم ایران پرداخته می‌شود:

۱.۴. رفتارهای هدفمند امام رضا^(ع) برای تغییر نگرش در باورهای معنوی مردم

ایران

الف) بیان معارف ضروری در محل‌های اقامتشان در طول سفر: تاریخ گواهی می‌دهد که از همان ابتدای ورود امام به ایران چه در طول مسیر و چه در مرو همواره ایرانیان با شور و اشتیاق بر دور امام حلقه زده و از علم سرشار و دیدگاه‌های علمی و فرهنگی ارزشمند شیعه بهره برده‌اند. برای نمونه رجاء بن ضحاک درباره رفتار امام در بین راه می‌گوید: ((آنگاه امام بر می‌خواست و به مردم می‌پرداخت و آنان را حدیث می‌کرد و موعظه و پند می‌داد تا نزدیک زوال ظهر و آن حضرت در هیچ شهری قدم نمی‌گذاشت جز اینکه

اهالی آن سامان به دیدنش آمده از وی مسائل و مشکلات دینی خود را می‌پرسیدند و بسیار برای آنان از پدرش و از آباء گرامیش حدیث می‌کرد)) (صالحی، ۱۳۸۴: ۱۸۵) در یکی از موقعیت‌های پیش آمده و کم نظیر و مؤثر برای راهنمایی مردم در مسیر سفر امام رضا^(ع) به مرو آن جایی بود که جمعیت کثیری از مردم نیشابور در بدرقه امام رضا^(ع)، از زبان پدران و جد بزرگوارشان امام علی^(ع)، خواستار حدیثی شدند این موقعیت کم‌نظیری بود اولاً به خاطر کثرت جمعیت که مورّخین تصریح کرده‌اند ۲۴۰۰۰ قلمدان برای نوشتن حدیث آماده بود این مطلب نشان دهنده این است که این جمعیت متجاوز از ۱۰۰۰۰۰ نفرند (کمپانی، ۱۳۶۵: ۹۵-۹۶) و ثانیاً این جمعیت کثیر خود تشنه هدایت‌اند و ثالثاً خواستار بهترین وسیله هدایت یعنی حدیث هستند.

امام رضا^(ع) تصمیم گرفتند از این موقعیت کم‌نظیر و اثرگذار بهترین بهره برداری را در جهت هدایت معنوی مردم انجام دهند. لذا ضروری‌ترین مسائلی را مطرح کردن که به تغییر نگرش معنوی مردم می‌انجامید. چه مسئله‌ای ضروری‌تر از توحید که راه و مسیر حرکت معنوی را روشن می‌کند. چه مسأله‌ای ضروری‌تر از ولایت که شرط تحقق رسیدن به مقصد در این حرکت معنوی است. پس حدیث سلسله الذهب را بیان می‌کنند که مفاهیم کلیدی معنویت (توحید - ولایت) را در بر دارد. این حدیث به تواتر در منابع حدیث از محدثان مختلف نقل شده است. این همه تلاش‌های امام رضا^(ع) برای بیان معارف ضروری به مردم حتی در طول سفر که با سختی‌های راه همراه است در راستای تغییر نگرش در باورهای معنوی مردم ایران بوده است.

ب) تبیین و دفاع از حقیقت اصول اعتقادی مهم و مؤثر در معنویت انسان‌ها

در مرو

تشکیل کلاس‌های درس در منزل و مسجد مرو و نیز استفاده از هر فرصتی در تبیین مبانی اصیل شیعه نمونه‌ای بارز از فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام^(ع) می‌باشد. ولایت‌عهدی تحمیلی در مرو فرصتی مناسب برای امام شد تا بتوانند ضروری‌ترین اصول اعتقادی اسلام و تشیع را در مرو تبیین نمایند تا در عصری که مستعد گسترش شبهات بود، جلوگیری نمایند از گسترش شبهات اعتقادی مسلمانان و شیعیان و همچنین این که این اصول در سیر صحیح رشد معنویشان مؤثر بود که اندیشمندان اسلامی به موفقیت امام^(ع) در این

عرصه اعتراف نموده‌اند. محمدی ری شهری معتقد است امام رضا^(ع) در پایه‌گذاری و گسترش اندیشه کلامی مسلمانان و تشیع موفق بوده‌اند. چون امام رضا^(ع) پاسخ‌گوی سوالات متکلمان مسلمان و غیر مسلمان بوده‌اند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۶۷-۶۶).

مهاجرانی در قسمتی از مقاله خود آورده است که میراث فلسفی امام علی^(ع) به دست سه نفر از ائمه - باقرین^(ع) و امام رضا^(ع) آشکار شده است (نصر، ۱۳۸۳: ۲۱۸). مباحث اعتقادی که در این دوره در جامعه نمود بیشتری داشت و امام^(ع) درباره آن سخن گفته اند عبارتند از: توحید، نبوت و امامت، چرا که در نگاه امام رضا^(ع) این اصول در تربیت معنوی انسان‌ها مؤثرند و نباید خدش‌های بر آن‌ها وارد شود و باید حقیقت آن‌ها آشکار شود که بخشی از سیره امام^(ع) را در مرو راجع به هریک از این اصول تبیین می‌کنیم.

توحید: برای امام^(ع) مسأله تبیین حقیقت توحید بسیار مهم بود چرا که آن در تعیین غایت مسیر تکامل معنوی انسان‌ها مؤثر است. لذا امام^(ع) از هر فرصتی چه در مرو و چه خارج از مرو در تبیین این موضوع و نقش آن در تکامل معنوی انسان‌ها تلاش نمودند. که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

بیان خطبه توحیدیه در جمع بنی عباس حاضر در مجلس مأمون... ثم قال: اول عبادۀ الله معرفتہ و اصل معرفتہ الله توحیدہ ... ((سپس فرمود: نخستین مرحله عبادت خدا شناخت و معرفت اوست و اساس و پایه معرفت خداوند توحید و یگانگی اوست ...)). امام^(ع) در این خطبه طولانی درباره اهمیت توحید، راه‌های شناخت خدا، صفات خدا و ... مطالبی را بیان کردند (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۶۷-۳۵۸). همچنین امام^(ع) به سؤالات بسیاری از متکلمانی که می‌خواستند توحید را از زبان امام^(ع) جويا شوند صبورانه پاسخ‌هایی کامل و قابل پذیرش عرضه می‌کردند که منجر به اعتراف آن‌ها به قبول اندیشه توحیدی امام^(ع) می‌شدند. حسین بن خالد، حسن بن علی و شاء، محمد بن سنان، عمران صابی، سلیمان مروزی و ... از این دسته افراد بودند که راجع به مسأله توحید از امام^(ع) سؤال نموده‌اند (صدوق، ۱۳۸۰: ۳۸۸-۲۲۸).

نبی: در نگاه امام^(ع) چون انسان‌ها قادر به تشخیص مصالحشان نیستند پس نیاز به آموزش‌ها و اوامر و نواهی دارند که منافعشان را تأمین و زیان‌هایشان را دفع کنند. لذا فرستاده‌ای بین خدا و مردم نیاز است که او همان نبی است. الامام الرضا^(ع) فی عله و جوب

معرفه الرسل والاقرار بهم والاذعان لهم بالطاعه ... ما يكملون به مصالحهم ... لم يكن بد لهم من رسول بينه وبينهم، معصوم، يودی اليهم امره و نهيه و ادبه،... (صدوق، ۱۴۰۸: ۲۵۳) با توجه به این نگاه امام^(ع) در هر جا که تشخیص می‌دادند راجع به نبی و عصمتش شبهه‌ای است به شدت موضع‌گیری و با بیان مطالبی ایده درست را در این خصوص آشکار می‌کردند. یکی از این موارد پاسخ امام^(ع) به مأمون راجع به عصمت انبیاء است. مأمون سؤالات خود راجع به عصمت انبیا می‌پرسید و امام^(ع) پاسخ می‌داد و مأمون پس از شنیدن هر پاسخ امام^(ع) را به خاطر پاسخ‌هایشان تقدیر می‌کرد (صدوق، ۱۳۸۰: ۴۱۸-۳۹۶).

امامت: امام^(ع) در پی تبیین ضرورت وحی، بر نیاز انسان به داشتن امام منتخب از سوی خداوند بسیار تأکید نموده‌اند و در این خصوص از ایشان احادیث زیادی روایات شده است (زبیدی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). در نگاه امام رضا^(ع) انسان در فهم دین احتیاج به راهنما دارد و آن راهنما انسانی است که فقط خداوند به ویژگی‌های او آگاه است و انتخابش هم توسط خداست نه انسان‌ها چون از عهده شناختش بر نمی‌آیند. عبدالعزیز بن مسلم شبهاتی را که در باب امامت در مسجد مرو شنیده به امام رضا^(ع) گزارش می‌کند. لذا امام^(ع) در خطبه‌ای معروف به خطبه‌ی امامیه که خطبه‌ای است طولانی امام و جایگاه‌اش را برای عبدالعزیز بن مسلم این‌گونه بیان می‌کند:

... امام امین خدا در زمین و حجت او بر بندگان است. او خلیفه خدا در کشور خداست. امام دعوت‌کننده‌ی مردم به سوی خدا و مدافع حرمت‌های الهی است. امام مقام انبیا و وارث اوصیا است. امامت نمایندگی خداوند عزوجل و جانشینی پیامبر^(ص) و مقام امیرالمؤمنین^(ع) و میراث حسن^(ع) و حسین^(ع) است. امام حدود را اجرا می‌کند. او مدافع دین است. او مبین و مجری دین است او زمام دین است. توسط امام است که نماز و زکات و روزه و حج و جهاد به کمال خود می‌رسد. امام از گناهان پاک است و از عیوب مبرّی و اطاعتش واجب. پس انتخاب مردم کجا و این مقام کجا؟ پس چگونه می‌خواهند امام را برگزینند؟ او معدن قداست و پاکیزگی و عبادت و علم و بندگی است... (صدوق، ۱۳۸۰: ۴۵۸-۴۴۴)

ج) دعوت امام رضا^(ع) از بستگان برای حضور در ایران: حضور امام رضا^(ع) موجب شد که گروه‌های فراوانی از امامزاده‌ها و سادات راهی ایران شدند (جعفرنژاد، ۱۳۸۶: ۵۷) نقل شده که امام رضا^(ع) پس از ولایت‌عهده‌ی نامه‌ای برای بستگان خود نوشت و آنان را به

ایران دعوت نمود. این نامه باعث شد ۱۲۶۷۳ نفر از بستگان آن حضرت در چندین کاروان مدینه را به قصد خراسان ترک کنند (مفتخری، ۱۳۸۸: ۵۰). در حقیقت دعوت امام رضا(ع) از بستگان خود دعوت از مرتبانی است از خاندان پاک نبوت برای تبلیغ عقاید حقه شیعه که در اعتلای نگرش معنوی مردم ایران مؤثر شد و عاملی برای توسعه و روند تکاملی شیعه شد. تأثیر این مرتبان در اعتلای معنویت مردم ایران هم در زمان حیاتشان با انجام اقدامات‌اش و چه پس از شهادتشان بود. مزار این بزرگواران جایگاهی شد برای ارتباط صمیمانه شیفتگان خاندان نبوت؛ و همچنین جایگاهی شد برای بذل محبت دو طرفه هم حاجت گرفتن و هم خدمت به اهل بیت(ع). این مزارهای متبرک در ایران، نمودی است از آرمان‌های راستین تشیع که از اسلام ریشه گرفته بود و در حقیقت پشتوانه عظیمی برای معیارها و ارزش‌های والای مکتب تشیع محسوب می‌گردید. این مکان‌ها افزون بر اینکه محلی برای زیارت مشتاقان خاندان اهل بیت(ع) بود مدرسه بزرگی نیز برای زائران تلقی می‌گردید که از معرفت امامزادگان و فضایل اخلاقی آن بزرگواران بهره‌مند گردند و از سویی به مظلومیت و حقانیت آنان پی ببرند که این خود در گسترش مذهب شیعه نیز مؤثر بود. (حر، ۱۳۸۷: ۴۰-۲۵) در واقع این آرامگاه‌ها هر کدام به کانونی برای گسترش فرهنگ تشیع تبدیل گردید.

۲.۴. آثار و پیامدهای تربیت معنوی مبتنی بر اعمال امام رضا(ع)

الف) آثار تربیتی ولایت‌عهدی: مأمون مجبور بود که برای تحقق اهداف سیاسی خود از جمله مشروع جلوه‌دادن خلافت و به دست آوردن پایگاه مستحکم مردمی، خلافت و یا ولایت‌عهدی را به امام رضا(ع) تحمیل کند. مأمون در این راه هر اندازه که از خود زیرکی و سیاست نشان داد به همان اندازه امام رضا(ع) از خود هوشیاری نشان دادند و توطئه‌های مأمون را خنثی کردند (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۱۹۲) امام رضا(ع) برای خنثی کردن توطئه‌های مأمون برنامه بسیار دقیق طراحی کرد و با اجرای آن‌ها ضمن ناکامی نقشه‌های مأمون اهداف برخواسته از رسالت‌شان را محقق می‌کردند.

ابتدا امام به پیشنهاد مأمون و اصرار چند ماهه برای خلافت و ولیعهدی پاسخ منفی دادند اثر معنوی این اقدام بر مردم و آگاهیشان از اینکه مأمون می‌خواهد ولایت‌عهدی را بر امام(ع) تحمیل کنند و امام اهل دنیا نیست (تقویت امام شناسی) و گذاشتن شروط امام برای دخالت نکردن در امور حکومت به جز آثار سیاسی اثر معنوی هم داشت. اثر معنوی

آن زهد و پارسایی امام را برای مردم تداعی می‌کرد (تقویت امام شناسی) و امام در مجلس ولایت‌عهدی با سخنان و رفتار خود حقانیت ائمه را در حکومت بر مردم تأکید کردند. امام در پاسخ به درخواست مأمون برای ایراد سخن به عنوان ولیعهد، با چند عبارت کوتاه حقانیت خود را برای حکومت اعلام کردند. امام پس از حمد و ثنای الهی فرمودند همانا ما به سبب قرابت با رسول خدا^(ص) بر شما حق داریم و شما نیز که امت آن حضرتید بر ما حقی دارید. هرگاه شما حق ما را ادا کردید ادای حق شما بر ما واجب خواهد بود (عاملی، ۱۳۸۶: ۳۰۹). اثرات معنوی این بیانات کوتاه بر مردم نیز امام شناسی است. (که حکومت حق امام رضا^(ع) است نه مأمون) زمانی که مجلس خلوت‌تر شد دعبل خزاعی قصیده‌ای در خصوص حماسی تاریخی بنی هاشم و منقبت نامه آل علی^(ع) قرائت کرد دعبل با خواندن قصیده‌اش حقانیت آل علی برای حکومت، زحمات و رنج‌ها و مظلومیت آل علی^(ع) را برای تحقق امر دین، ظلم حاکمان غاصب را بر خاندان رسالت و ظهور منجی را بیان کرد. ضمن اینکه خواندن این قصیده با انتقال ویژگی‌های امام شناسی و یادآوری انسان‌های شایسته این مقام آثار معنوی بر مردم داشت. واکنش‌های امام بر این قصیده علاوه بر تأیید اندیشه‌های دعبل یافته‌های مردم را از این قصیده به یقین تبدیل کرد. در پایان شعر با آفرین‌های مکرر و دادن هدیه‌های زیاد (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۲۱۵) یک رمز معنوی به مردم دادند که راهنمای عمل مردم باشد. امام می‌خواست به مردم تأکید کند که محبت به اهل‌بیت ارزشمند است، برای حقانیت اهل‌بیت باید سخن گفت، باید از حقانیت اهل‌بیت دفاع کرد و اینکه راه سعادت پیروی از اهل‌بیت است.

ب) پیامدهای تربیتی دعای باران: موقعیتی دیگر که امام^(ع) به درستی در راستای اهداف خود (تغییر باورهای معنوی مردم) بهره برداری نمودند و مردم را راهنمایی کردند زمانی بود که مأمون از امام خواست برای خشکسالی دعا بفرمایند امام این‌گونه دعا فرمودند: بار خدایا تو ما اهل‌بیت را بزرگ داشتی و ما را مورد احترام عموم قرار دادی آنان به ما متوسل شدند و از طریق ما فضل و رحمت تو را طلب می‌کنند و در انتظار نعمت تو هستند. این دعا یک کد معنوی بود برای مردم که ائمه واسطه فیضند برای بهره‌مندی از نعمت‌های الهی باید به ائمه توسل جست. امام پس از استجاب دعا این‌گونه مردم را راهنمایی نمودند: اهل‌بیت از نعمت‌های الهی‌اند و به مردم یاد آور شدند که با کفر نعمت، خدا نعمت‌هایش را

می‌گیرد و اقرار نکردن به دوستی اهل بیت کفران نعمت است (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۸۷-۳۸۳). این سخنان هم یک کد معنوی دیگر بود که باید قدر اهل بیت را به عنوان یک نعمت باید دانست و باید دوستی اهل بیت را برای تشکر از این نعمت الهی اقرار کرد.

ج) پیامدهای تربیتی مناظرات امام رضا(ع): یکی از روش‌های امام برای تبلیغ دین و حفظ آن از شر افکار انحرافی و بدعت‌های فراوان چه قبل از ولایت‌عهدی و چه در زمان ولایت‌عهدی مناظره بود (صالحی، ۱۳۸۴: ۲۰۴). در زمان ولایت‌عهدی چون مأمون می‌خواست از محبوبیت روزافزون امام که شاهد آن بود بکاهد تصمیم گرفت بهترین دانشمندان و متفکرین و برترین جدل‌کنندگان را انتخاب کند تا امام را به عجز درآورد و محبوبیت امام را کاسته و کمبود امام را به رخ اندیشمندان بکشاند. ولی امام همه را اعم از یهودی و مسیحی، برهمن، منکر خدا، مادی را در بحث محکوم نمود (محمّدزاده، ۱۳۸۸: ۳۷۴). مناظرات زمان ولایت‌عهدی که مأمون تدارک دیده بود ویژگی ممتاز داشت هر کدام از طرفین که شکست می‌خوردند باید قبول شکست می‌کردند و این فرصت خوبی بود برای امام که با علم خدادادی خود ضمن شکست طرف مقابل اهداف متعالی خود را عملی کند. قبول شکست در برابر امام(ع) توسط همه مناظره‌کنندگان در مجالس مناظره پیامدهای مهمی برای آگاهی طرف‌های مناظره و همه مردم داشت که در جهت‌گیری دینی آنان تأثیر داشت برای آنان ثابت شد که با وجود اسلام، هیچ آیینی قابل پیروی نیست و شیعیان دارای بهترین مکتب کلامی و بهترین رهبری هستند و به پیروان دیگر فرقه‌های کلامی نیز ثابت شد که اسلام ناب در اختیار آنان نیست و باید اسلام ناب را از اهل بیت بیاموزند.

د) پیامدهای تربیتی سبک زندگی امام رضا(ع): طرز رفتار و آداب معاشرت امام رضا(ع) چه پیش از ولایت‌عهدی و چه پس از ولایت‌عهدی آراسته بود به اخلاق عالی ممتاز و بدین سبب دوستی عام و خاص را به خود جلب فرموده بود.

رجاء بن ضحاک مأمور کنترل امام(ع) از مدینه به مرو پس از پایان سفر درباره امام(ع) اینگونه گفت: به خدا قسم شخصی را نیافتم که از ایشان پرهیزگارتر باشد و بیشتر از او به یاد خدا باشد... (مجلسی، ۱۳۵۶، ج ۴۹: ۹۵). مأمون دشمن کینه‌توز امام رضا(ع) در جمع عباسیان چنین گفت: ... من در میان فرزندان عباس و فرزندان علی رضی الله عنهم بسی جست و جو کردم، ولی هیچ یک از آنان را با فضیلت‌تر، پارسا‌تر، متدین‌تر، شایسته‌تر و

سزاوارتر به این امر از علی بن موسی الرضا^(ع) ندیدم (مسکویه، ۱۳۶۶، ج ۶: ۴۳۶). از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده که گفته است: من ابی الحسن الرضا^(ع) را هرگز ندیدم در سخن گفتن با کسی درشتی کند من هرگز ندیدم سخن کسی را بیش از فراغ از آن قطع کند و هرگز در خواست کسی را که قادر به انجام داد آن بود رد نفرمود. هرگز پای خود را پیش هیچ کس دراز نمی کرد... هر که بگوید در فضیلت کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴: ۳۰۰).

امام^(ع) در برخورد با مردمان چهره راستین اسلام را ترسیم می‌کردند آن هم در عصری که جلال و شکوه پوشالی دستگاه خلافت از این آیین سیمای دیگری ارائه می‌داد. امام رضا^(ع) همه را دارای ارزش انسانی می‌دانست و از این دیدگاه با مردم رفتار می‌کرد (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۹۹). بنابراین بطور کلی باید اذعان داشت که حضور امام رضا^(ع) در ایران فرصتی برای آن بزرگوار شد تا در جهت ترویج آموزه‌های اصیل اسلامی بپردازد و با گفتار و رفتار خویش تحولی در نگرش و باورهای معنوی مردم ایران به وجود آورد.

۵. تأثیر امام رضا^(ع) بر باورهای معنوی مردم ایران بعد از شهادت

در این دوران جامعه ایران شاهد دگرگونی‌هایی در امور سیاسی و مذهبی بود. حکومت‌های قسمت شرقی ایران از طرف خلیفه عباسی به ایرانیان واگذار شد. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳: ۱۱۰) و حکومت‌های ایرانی در این دوران به سمت استقلال و کاهش قدرت عباسیان پیشرفت نمود. از نتایج این دگرگونی‌ها این بود که برای مردم ایران تدریجاً فرصتی ایجاد شد تا زائر یا مجاور امام رضا^(ع) شوند تا از فیوضات معنوی این مکان استفاده نمایند که این ارتباطات در این دوران به آبادی مشهدالرضا انجامید تا جایی که طی مدت ۵۰۰ سال مشهدالرضا که مکانی ناشناخته در نزدیکی طوس بود به شهری بزرگ مبدل شد تا جایی که شهرتش از طوس بیشتر گشت.

از دیگر نتایج کاهش قدرت خلفای عباسی در حکومت‌های مستقل ایرانی بعد از شهادت امام رضا^(ع) این بود که رجال سیاسی محب اهل بیت^(ع)، در هر کدام از حکومت‌های مستقل، محبت خود را با توسعه مشهدالرضا و آباد کردن این مکان و خدمت به زائرین و مجاورین ابراز دارند که هم برای رشد معنوی این رجل مؤثر بود و هم در رشد معنوی زائرین و هم اینکه فرهنگ ابراز محبت به ساحت اهل بیت^(ع) ترویج می‌شد. پس از کمی توسعه مشهدالرضا در

کنار مرقد منور امام رضا^(ع) مجالس وعظی برگزار می‌شد که واعظین، مستمعین و مجاورین را از فیوضات معنوی بهره‌مند می‌کردند. ابن اثیر این موضوع را در زمان سلجوقیان تأیید می‌نماید. (قصابیان، ۱۳۷۷: ۱۲۶) هر چند این ابراز محبت‌ها به ساحت مقدس امام رضا^(ع) به شکل‌های گوناگون (زیارت، خدمت، توسعه مرقد منور، وقف) در طی تاریخ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است ولی با اعلان تشیع به عنوان مذهب رسمی ایرانیان توسط صفویان فرهنگ زیارت و خدمت روز به روز توسعه پیدا کرد و با تأسیس تولیت آستان قدس و اطعام زائرین و تأسیس بیمارستان برای زائرین توسط صفویان (قصابیان، ۱۳۷۷: ۲۳۹) زیارت برای زائرین آسان‌تر و دلچسب‌تر می‌شد و خیل مشتاقان روز به روز افزون می‌شد و با گذشت زمان و با پیشرفت امکانات و با برنامه تبلیغاتی که به اقتضای زمان انجام می‌شد سطح آگاهی‌های معنوی مردم افزایش پیدا می‌نمود و زیارت، فرهنگی دوست‌داشتنی برای مردم ایران شده چون مردم فهمیده‌اند که راه رسیدن به خدا در سایه محبت و اطاعت از خاندان اهل‌بیت^(ع) است و چه افرادی که در سفرهای معنوی به مشهدالرضا و یا ارتباط قلبی خود با این امام رئوف گره کور زندگی‌اش باز شده و این محبت قلبی‌اش مضاعف شده و به یقین رسیدند که راه نجات، اهل‌بیت^(ع) هستند.

بنابراین مرقد منور امام رضا^(ع) در ایران شمعی شد برای اینکه ایرانیان مانند پروانه‌های عاشق به مرور در طول تاریخ به مراتب آگاهی‌های خویش، عشق خود را به طرق گوناگون (زیارت، خدمت به زائرین، وقف، مدح اهل‌بیت) تمرین نمایند و این تمرین باعث نهادینه شدن عشق به اهل‌بیت در خود و نسل‌های آینده‌شان شد و این راهی شد برای سیر معنوی ایرانیان. علاوه بر مرقد منور امام رضا^(ع)، آثار ایشان در مسیر آمدنشان از قبیل قدمگاه‌ها، مساجد، قنوات، چشمه‌ها، به آثاری مبدل شدند که مردم ضمن مراجعه به این مکان‌ها و گرامیداشت این مکان‌ها با گرفتن حاجات و دیدن کرامات از این مکان‌ها جایگاهی برای افزایش علاقه‌مندی به امام رضا^(ع) و مؤثر بر معنویت آن‌ها شدند. همچنین بسیاری از امام زادگان که با دعوت امام رضا^(ع) به ایران آمده بودند در زمان حیات خود مبلغان تشیع علوی و دین اسلام شدند و مؤثر بر رشد معنوی مردم ایران و در زمان بعد از وفات یا شهادتشان در صورت داشتن مزار جایگاهی برای ابراز محبت مردم به وجود فرزندان اهل‌بیت^(ع) شدند. لذا ابراز محبت به همه اهل‌بیت^(ع) و فرزندان آن‌ها فرهنگی شد برای مردم ایران در همه نقاط

این سرزمین که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به وجود مرقد منور حضرت فاطمه معصومه (س) و شاه چراغ (ع) در شیراز اشاره نمود. وجود مزار امام رضا (ع) و امامزادگان فرصتی شد برای بعضی ایرانیان که در این مکان‌ها با خدمت به زائرین ارادت قلبی خود را به ساحت اهل‌بیت (ع) نشان دهند و همچنین فرهنگ خدمت را در این مکان‌های مذهبی ترویج کنند. پس بطور کلی باید اذعان داشت که با آشنایی نسبی مردم ایران با اهل‌بیت به خاطر وجود امام رضا (ع) و امامزادگان و رسمی شدن مذهب تشیع، برای مردم ایران فرصتی فراهم شد که به مدح اهل‌بیت و بیان زندگی آن‌ها بپردازند که از نتایج آن آشنایی بیشتر ایرانیان با اهل‌بیت (ع) و ارادت بیشتر مردم ایران به این بزرگواران شود.

۶. نتیجه گیری

از آنچه گذشت می‌توان اذعان داشت که معنویت بعد ذاتی انسان و فرا مادی است. معنویت از منظر اسلام یعنی رشد بعد روحانی که در متعالی شدن گرایش‌های باطنی افراد مؤثر است و رشد در این بعد بدون هدایت و پیشوای رهبری میسر نیست. امامان معصوم (ع) شایسته‌ترین افراد برای هدایت انسان‌ها در همه ابعاد هستند. امام چنان که نسبت به ظاهر اعمال مردم پیشوا و راهنما است، همچنین در باطن نیز سمت پیشوایی و رهبری دارد. لذا حضور مبارک امام رضا (ع) در ایران فرصتی شد برای ایرانیان تا از هدایت الهی این امام معصوم برای رشد در همه ابعاد بهره‌مند گردند که یکی از ابعاد مهم آن معنویت است. در واقع در این پژوهش برای اینکه بتوان به بهترین شکل ممکن آثار و پیامدهای معنوی امام رضا (ع) در تعالی باورهای مردم ایران به هنگام حضورشان در ایران تبیین و بررسی شود، ابتدا لازم بود تا به صورت گذرا و اجمالی نگاهی به زندگی ایرانیان داشته تا به شناخت جامعی به ویژه در بعد معنویت پیدا کرد. از این رو در این پژوهش ابتدا به مطالعه و بررسی وضعیت معنوی مردم ایران در دوران ساسانیان پرداخته شد و در ادامه با بررسی دوران حکومت امام علی (ع) و بنی امیه و سرانجام بنی عباس، به آثار معنوی امام در زمان حیاتش در تعالی باورهای مردم ایران اشاره شد و در آخرین گام این پژوهش، برکات و آثار حضور ایشان بعد از شهادت در این سرزمین و در باورها و تعالی معنویت مردم مورد بررسی قرار گرفت و با بررسی سیر تاریخی معنویت مردم ایران قبل از حضور امام رضا (ع) و زمان حضور ایشان و در نهایت بعد از شهادت می‌توان دریافت که حضور این امام عزیز و بزرگوار در تربیت معنوی ایرانیان بسیار

مؤثر و دارای اهمیت حیاتی بوده است. قبل از حضور اسلام که مردم ایران مکاتب تربیتی مختلف را آزموده و آن‌ها را کارآمد ندیده بودند به دنبال راه نجات می‌گشتند، چرا که دچار سردرگمی معنوی شده و وضعیت آن زمان مردم، نشان از خسته شدن روح ایرانی از آئین خدمتگزار طبقه حاکم ظالم و ستمگری است که ایرانی را فقط برای خدمت می‌خواهد و نه برای رشد از هر حیث. لذا ایرانی به دنبال آئینی می‌گشت که عدالت و مساوات جزء مؤلفه‌های آن باشد و او را به دیده‌ی کرامت نگاه کند و شانس رشد در همه زمینه‌ها را به او بدهد.

اما با ورود اسلام و با شناخت ابتدایی از آن، مردم ایران در می‌یابند راه نجات همین دین و مجریان آن است. لذا مردم ایران به خاطر عملکرد ناصحیح حاکمان غاصب و دنیا خواه بنی امیه و بنی عباس بر ممالک اسلامی من جمله ایران نه تنها عطش معنویشان لبریز و بهره‌مند نمی‌گردد که مورد ظلم و تحقیر هم واقع می‌شود. در واقع دوران حکومت بنی امیه و بنی عباس وضع معنوی جامعه بهبود نیافت و این حکومت‌ها برای دین و معنویت و خدمت در عرصه‌های گوناگون به ملت اسلامی تحت حکومت خود هیچ اقدامی انجام ندادند. لذا مردم ایران این موضوع را درک کردند و نارضایتی آن‌ها از این حکومت‌ها بالا رفت و آرزویشان این شد که خلافت به صاحبان اصلی آن، خاندان رسالت برسد. لذا مأمون زیرک‌ترین خلیفه عباسی با آگاهی از این خواسته مردم و آگاهی از حقانیت خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) و فرزندانش پس از تسلط بر امین برادر خود، برای آرامش معترضان ایرانی و علوی، امام رضا(ع) را برای سپردن حکومت یا ولایت‌عهدی به ایشان به ایران دعوت کرد.

اما با حضور امام رضا(ع) در ایران و فرصت ولایت‌عهدی ایشان و اقدامات مؤثر آن بزرگوار، مردم به سمت معنویت واقعی هدایت شدند. از جمله برکات و رفتارهای هدفمند ایشان برای تغییر نگرش در باورهای معنوی مردم ایران در دوران حیات خویش، می‌توان به مواردی همچون؛ بیان معارف ضروری در محل‌های اقامتش در سفرها، تشکیل کلاس‌های درس در منزل خویش و مسجد و دعوت از بستگان خود برای حضور در ایران اشاره کرد. لذا خارج از موارد فوق، حضور امام در ایران و تمام اعمال و رفتار آن بزرگوار، برای ایرانیان حامل پیامدهای تربیت معنوی بود که در این پژوهش به صورت اجمالی به آن‌ها اشاره شد. در نهایت بعد از شهادت ایشان و ترویج فرهنگ زیارت و حضور سادات دعوت شده توسط این

امام عزیز، مردم ایران در معنویت رشد فزاینده‌ای پیدا نمودند و در حال حاضر نیز مزار ایشان فرصتی برای تمرین معنویت از قبیل خدمت به زائرین به اشکال مختلف، وقف و خود عمل زیارت شده است.



۷. فهرست منابع

قرآن کریم.

ابوعلی، مسکویه الرازی (۱۳۶۶). **تجارب الامم و تعاقب الهمم**، التحقیق الدكتور ابوالقاسم امامی، تهران: دار سروش للطباعة و النشر.

ابن شهر آشوب (بی تا). **مناقب آل ابی طالب**، قم: انتشارات علامه.

ابو منصور احمدبن علی بن ابی طالب طبرسی (۱۳۹۲). **احتجاج علی اهل اللجاج**، مترجم محمدمهدی سازندگی، قم: نوید ظهور.

اشعری، زهرا؛ باقری، خسرو؛ حسینی، افضل السادات (۱۳۹۱). «بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی»، **تربیت اسلامی**، سال هفتم، شماره ۱۵، صص ۸۹-۱۱۲.

افتخار زاده، محمود (۱۳۷۷). **اسلام و ایران**، تهران: رسالت قلم.

اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۷). **تاریخ اسلام و عصر خلفای اموی و عباسی**، تهران: محور.

بیات، عزیزالله (۱۳۵۶). **تاریخ ایران از ظهور اسلام تا دیالمه**، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

برزگر، یعقوب شانی (۱۳۸۴). **پایان نامه سطح ۳ حوزه معادل کارشناسی ارشد، بحران معنویت و راهکارهای هدایتی قرآن**، حوزه علمیه خراسان.

پطروشفسکی، ایلیا ولویچ (۱۳۵۰). **اسلام و ایران از هجرت تا پایان قرن نهم هجری**، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.

ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۳). **تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران**، تهران: مؤسسه شیعه شناسی.

جعفرنژاد، محمد (۱۳۸۱). **آثار و حضور برکات امام رضا در ایران**، قم: انتشارات سلسله.

جواهری، محمدرضا (۱۳۸۸). **اسلام و تشیع ایرانیان و انقلاب اسلامی زمینه ساز ظهور در کلام معصومین**، مشهد: خیرالبریه.

صحبت لو، علی؛ جعفری، زهرا (۱۳۸۹). «تربیت اخلاقی از دیدگاه امام رضا(ع)»، **مجموعه مقالات برگزیده همایش پژوهشی شناخت اخلاق و آداب رضوی**، اراک: انتشارات دبیرخانه جشنواره شناخت اخلاق و آداب رضوی، صص ۶۳-۹۲.

حر، حسین (۱۳۸۶). **امام رضا و ایران**، قم: دفتر نشر معارف.

----- (۱۳۸۷). «بازتاب و تأثیرات حضور امام رضا(ع) در ایران» **مجله معارف**، شماره ۵۶، صص ۲۵.

----- (۱۳۸۷). «سیره تربیتی و اخلاق عملی امام رضا(ع)»، **فصلنامه قرآنی کوثر**، شماره ۴۴، صص ۲۹-۵۳.

رامتین، ایرج (۱۳۸۹). **خلاصه تاریخ ایران پس از اسلام**، مشهد: آیین تربیت.

اکبری زبیدی، غلامرضا (۱۳۸۲). **امام رضا(ع) و قرآن**، مشهد: انتشارات شمس.

شهیدی، جعفر (۱۳۶۹). **تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

شاکر، ابوالقاسم (۱۳۹۰). **تاریخ تشیع در ایران**، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی زمزم هدایت.

شرفی، محمدرضا (۱۳۸۹). **مهارت‌های زندگی در سیره رضوی(ع)**، مشهد: آستان قدس رضوی.

- صالحی، محمد (۱۳۸۴). *سیره امام رضا^(ع)*. قم: دارالهدی.
- طوقش، محمدسهیل (۱۳۸۰). *دولت عباسیان*، ترجمه حجت‌ا. جودکی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۵). *شیعه در اسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۶۸). *زندگانی سیاسی امام رضا^(ع)*، ترجمه دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه چاپ دوم قم، مشهد: کنگره جهانی حضرت امام رضا^(ع).
- قصابیان، محمدرضا (۱۳۷۷). *تاریخ مشهد از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه*، مشهد: انصار.
- کمپانی فضل‌ا... (۱۳۶۵). *حضرت رضا^(ع)*، تهران: مفید.
- مجلسی، ملا محمدباقر (۱۳۵۶). *بحار الانوار*، ترجمه موسی خسروی، جلد ۴۹، تهران: انتشارات اسلامی.
- جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی (ملقب به شیخ صدوق) (۱۳۸۰). *ترجمه عیون اخبار الرضا*، ترجمه حمیدرضا مستفید؛ علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: دارالکتب اسلامی.
- (۱۴۰۸). *علل الشرائع*، جلد اول، بیروت: دار احیاء التراث.
- مرشدی بیدگلی، فاطمه (۱۳۸۷). *تقویت معنویت در فرزندان در خانواده از منظر اسلامی*، پایان نامه سطح ۲ حوزه معادل کارشناسی، حوزه علمیه قم: مدرسه علمیه حضرت زینب شهرستان آران بیدگل.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۸). *علی بن موسی الرضا^(ع)*، قم: دلیل ما.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). *حکمت‌نامه رضوی*، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دار الحدیث (مجموعه چهار جلدی).
- مفتخری، زهره (۱۳۸۸). *علل گرایش ایرانیان به تشیع*، مشهد: سخن گستر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۴۱). *تاریخ بنی امیه و بنی عباس*، ترجمه مصطفی زمانی، مشهد: جعفری.
- مهدی الخطیب، عبدالله (۱۳۷۸). *ایران در روزگار اموی*، ترجمه محمود افتخار زاده، تهران: رسالت قلم.
- نراقی، مهدی (۱۳۷۰). *جامع السعادات*، مترجم جلال الدین مجتبی، ج ۱، تهران: نشر حکمت.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳). *تاریخ فلسفه اسلامی*، جلد اول، تهران: انتشارات حکمت.
- نجفی، محمد؛ قربانی، منصوره؛ نصرتی هشی، کمال؛ شاهی، محمد (۱۳۹۳). *روش‌های تربیت اخلاقی در سیره رضوی^(ع)*.
- فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی*، شماره ۱۷، ص ۱۱۳.
- همایون، محمدهادی (۱۳۹۲). *کارکرد تمدن‌سازانه هجرت امام رضا^(ع) به ایران*، *فصلنامه فرهنگ رضوی*، شماره ۱، صص ۳۳-۶۰.
- وفا، بنت الزهرا (۱۳۹۱). *عوامل سقوط و فرو پاشی بنی امیه*، قم: آشیانه مهر.

Marques, J. F., Dhiman, S., & King, R. (2005). Spirituality in the workplace developing an integral model and a comprehensive definition. *Journal of American Academy of Business*, 7(1), 81-91.